

قدرت‌یابی دوباره روسیه در نظام بین‌الملل و افزایش تنش در روابط امریکا و روسیه (۲۰۰۸-۲۰۰۰م)

فرهاد عطایی^۱

دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

فاطمه تفتیان

کارشناس ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۵ - تاریخ تصویب: ۹۱/۴/۵)

چکیده

پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، طی دهه ۱۹۹۰ میلادی دوره‌های متفاوتی از روابط مسالمت‌آمیز و تنش‌آلود میان ایالات متحده امریکا و روسیه به وجود آمد. با به قدرت رسیدن جورج بوش در امریکا و ولادیمیر پوتین در روسیه در سال ۲۰۰۰، دوره جدیدی از روابط میان واشنگتن و مسکو آغاز شد. این روابط نخست به گرمی شکل گرفت و با وقوع حوادث یازده سپتامبر، حمایت پوتین از واشنگتن افزایش یافت و این همکاری در جنگ ایالات متحده امریکا علیه افغانستان ادامه پیدا کرد. اما پس از آنکه امریکا رژیم روسیه را مستبد و غیر مردم‌سالار خواند، این روابط با تنش همراه شد و در جریان حوادث بعدی این تنش افزایش یافت و سرانجام در جنگ اوستیا در سال ۲۰۰۸ به اوج خود رسید. در واقع، رابطه واشنگتن و مسکو از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ میلادی به تدریج تیره شد. نگارندگان این مقاله بر این باورند که یک دلیل عمده این افزایش تنش، قدرت‌یابی دوباره روسیه و ارتقای جایگاه بین‌المللی این کشور در نظام بین‌الملل است که زمینه واکنش جدی‌تر این کشور را در قبال سیاست‌های تکررانه امریکا در دوره یادشده فراهم کرد و به دنبال آن واکنش امریکا به اقدامات روسیه فصلی از تنش در روابط دو کشور را رقم زد.

واژگان کلیدی

امریکا، تنش، روسیه، نظام بین‌الملل، ولادیمیر پوتین

۱. مقدمه

روابط امریکا و روسیه از موضوعات راهبردی نظام بین‌الملل در دوران جنگ سرد و پساجنگ سرد بوده است. این روابط در مقاطع مختلف تاریخی تأثیر بسیاری بر مناسبات کشورها دیگر و نظام بین‌الملل داشته است. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی طی دهه ۱۹۹۰، رابطه این دو کشور به دلایل مختلف خالی از تنش بود، اما در فاصله زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ میلادی، روند روابط دو کشور پس از مقطع کوتاهی از همکاری رفته‌رفته به تنش گرایید تا اینکه در سال ۲۰۰۸ و در جریان بحران اوستیا، این تنش به اوج خود رسید. تاکنون نویسندگان بسیاری درباره علل این افزایش تنش قلم زده‌اند و هرکدام از زاویه دید خاصی به این موضوع نگاه کرده‌اند؛ برخی در بررسی علل این افزایش تنش به امریکا توجه کرده‌اند و نقش افراد، نهادها و سازمان‌ها در امریکا را مهم دیده‌اند و عده دیگر همین عامل را در خصوص روسیه علت اصلی یافته‌اند. اما کمتر کسی به نقش تغییر جایگاه این کشورها، به‌ویژه روسیه، در ساختار نظام بین‌الملل توجه کرده است. نکته‌ای که ما در این پژوهش به دنبال بررسی آن هستیم، این است که تغییر جایگاه روسیه در ساختار نظام بین‌الملل چرا و چگونه باعث افزایش تنش در روابط امریکا و روسیه در این دوره شده است؟

در این خصوص سعی کرده‌ایم به سه پرسش زیر پاسخ دهیم:

آیا نشانه‌های بارزی از تنش در روابط امریکا و روسیه در این دوره وجود دارد؟

تغییر جایگاه روسیه در ساختار نظام بین‌الملل در این دوره چگونه است؟

نقش تغییر جایگاه روسیه در ساختار نظام بین‌الملل در افزایش تنش میان امریکا و روسیه چگونه تحلیل می‌شود؟

مفروض این پژوهش آن است که تغییر و ارتقای جایگاه روسیه در ساختار نظام بین‌الملل که خود ناشی از عوامل متعددی چون تأثیر افراد، نهادها و ساختارهای داخلی روسیه بوده است، در فراز و فرود روابط این دو کشور از سال ۲۰۰۸-۲۰۰۰ نقش بسیار مهمی داشته است.

این مقاله به سه بهره تقسیم شده است: بهره اول، روند روابط امریکا و روسیه در این دوره و فراز و فرودهای آن؛ بهره دوم، عوامل مؤثر بر ارتقای جایگاه روسیه (عوامل قدرت‌یابی روسیه) در ساختار نظام بین‌الملل؛ و سرانجام بهره پایانی، تغییر جایگاه روسیه در ساختار نظام بین‌الملل و نقش آن در افزایش تنش میان امریکا و روسیه را بررسی می‌کند.

۲. بهره اول، افزایش تنش در روابط امریکا و روسیه، ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸

پس از حملات یازده سپتامبر به نیویورک و واشنگتن، همکاری واشنگتن و مسکو در قالب

مبارزه با تروریسم افزایش یافت و پوتین ایالات متحده امریکا را در جنگ افغانستان یاری کرد. در همین سال میزان تجارت امریکا و روسیه به ده میلیارد یورو رسید (تد، ۱۳۸۳، ص ۲۰) و در ادامه همکاری‌ها، دو کشور پیمان مسکو یا «سورت»^۱ را در سال ۲۰۰۲ منعقد کردند (Aslund and Kuchins, 2009:9). اما این همکاری‌ها دیری نپایید و با حمله امریکا به عراق در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ بذرتنش در روابط دو کشور که با نفی قرارداد کیوتو از سوی امریکا در سال ۲۰۰۱ و خروج یکجانبه این کشور از «پیمان ضد موشک‌های قاره‌پیما»^۲ در ژوئن ۲۰۰۲ کاشته شده بود، آبیاری شد و در جریان حوادث پس از آن (حمایت از جنبش‌های موسوم به انقلاب‌های رنگین در حیات خلوت روسیه؛ مذاکره برای استقرار سپر دفاع موشکی امریکا در اروپای شرقی و سخنرانی تند پوتین در چهل‌وسومین اجلاس امنیتی مونیخ در واکنش به آن؛ تعلیق عضویت روسیه در «پیمان نیروهای متعارف اروپا» در آوریل ۲۰۰۷؛^۳ رقابت با امریکا بر سر قطب شمال و اعلام شروع به کار ناوگان هواپیمایی قاره‌پیمای روسی) رشد کرد و سرانجام در جنگ اوستیا در سال ۲۰۰۸ به‌بار نشست.

شیب منفی روابط امریکا و روسیه، پس از زمانی کوتاه از همکاری دو کشور بعد از حوادث یازده سپتامبر، در اواخر دوره ریاست جمهوری بوش در امریکا و همتای روسی‌اش، پوتین، به بدترین نقطه خود در این دوره و حتی در سراسر دوره پسا شوروی رسید. این شیب منفی به معنای شیب مثبت افزایش تنش در روابط دو کشور است. با نشان دادن افزایش تنش در روابط امریکا و روسیه در این دوره، به بررسی تغییر جایگاه روسیه در نظام بین‌الملل در بهره‌دوم می‌پردازیم تا زمینه‌های لازم برای تحلیل نقش این تغییر جایگاه را در افزایش تنش میان دو کشور فراهم کنیم.

۳. بهره‌دوم، جایگاه روسیه در نظام بین‌الملل ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ م

پس از فروپاشی شوروی، موقعیت روسیه در نظم جهانی جدید نامشخص و ناشناخته بود و سیاست خارجی این کشور طی دهه ۱۹۹۰، دوره‌ای از آشفتگی شدید را پشت سر گذاشت. بوریس یلتسین^۴، رئیس‌جمهور روسیه در این دوران، با خصوصی‌سازی و آزادسازی قیمت‌ها، طرح تحول اقتصادی را به‌اجرا گذاشت. این سیاست اقتصادی به شکل‌گیری طبقه جدید اجتماعی به نام الیگارش‌ها انجامید که هرچه بیشتر اقتصاد روسیه را در کنترل خود گرفت و سرانجام، به بحران اقتصادی و تنزل موقعیت روسیه در عرصه بین‌المللی دامن زد. این بحران و

1. Strategic Offensive Reduction Treaty.
2. Anti-Ballistic Missile Treaty (ABMT) .
3. The Treaty on Conventional Force in Europe (CFP) .
4. Boris Jeltsin.

بی‌ثباتی در دوره دوم ریاست جمهوری یلتسین نیز ادامه یافت (Mancevic, 2006:1). این زمان که به دوران «فلج» روسیه معروف شد، روسیه به کشوری غیرقابل پیش‌بینی و با اهداف نامشخص تبدیل شده بود که جهت‌گیری سیاست خارجی آن بارها به سرعت تغییر می‌یافت (کولایی و علی‌رضا نوری، ۱۳۸۹، ص ۲۱۰). روی کار آمدن پوتین، نقطه عطفی در تاریخ معاصر روسیه به‌شمار می‌آید. تا قبل از به قدرت رسیدن وی، روسیه با مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زیادی روبه‌رو بود، با آغاز ریاست جمهوری پوتین که با افزایش قیمت جهانی نفت همراه بود، الیگارش‌ها و استانداران سرکش مهار شدند، وضعیت داخلی و امنیت اجتماعی روسیه ثبات یافت و سیاست خارجی این کشور نیز تا حد زیادی از انفعال خارج شد. پوتین از آغاز تشکیل دولت، بازیابی جایگاه روسیه را به عنوان یک قدرت بزرگ در دستور کار خود قرار داد و سعی کرد تا ضمن شناخت صحیح منافع ملی در فضای متغیر بین‌المللی به بازتولید قدرت متناسب با زمان پردازد و در یک فرایند تدریجی، قدرت روسیه در ساختار نظام بین‌الملل را تحکیم بخشد.

سیاستمداران کرملین با درک این موضوع که قدرت واقعی در فضای جدید نظام بین‌الملل چند بعدی است، تلاش کردند تا شاخص‌های سخت و نرم قدرت روسیه را به‌طور هم‌زمان تقویت کنند و روسیه را به کشوری با اقتصادی پیشرفته و قدرتمند، جامعه‌ای پویا، مستقل و بانفوذ در عرصه بین‌الملل و کنشگری جهانی تبدیل نمایند. هرچند ارزیابی قدرت بالفعل و بالقوه یک کشور و تعیین جایگاه آن در نظام بین‌الملل دشوار است، اما معمولاً قدرت اقتصادی، میزان اعتبار ناشی از رفتارهای دیپلماتیک و سیاسی و توانمندی‌های نظامی، به عنوان سه عامل مهم در تعیین جایگاه یک کشور، مورد توجه قرار می‌گیرد. براین اساس، دولت روسیه در دوره پوتین با تمرکز بر این سه جنبه اساسی تلاش کرد تا جایگاه روسیه را ارتقا بخشد و منزلت آن را بازگرداند (نوری، ۱۳۸۶، ص ۴۹).

۱.۳. قدرت اقتصادی

۱.۱.۳. اقتصاد روسیه در دهه ۱۹۹۰

بعد از فروپاشی شوروی، بوریس یلتسین به عنوان اولین رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه، برای ایجاد ثبات اقتصادی در این کشور برنامه اقتصادی خود را مبنی بر کاهش هزینه‌های دولت، کاهش هزینه‌های دفاعی و یارانه کالاها مصرفی در اکتبر ۱۹۹۱ به شورای عالی ارائه داد. اما برنامه‌های دولت برای کاهش تورم با وضعیت اقتصادی روسیه مغایرت داشت. از یک طرف، بسیاری از کارخانه‌ها و مراکز تولیدی به بخش خصوصی واگذار شد و از طرف دیگر، بانک

مرکزی می‌بایست اعتبار و وام در اختیار مردم قرار می‌داد که پرداخت این وام‌ها و اعتبارات، موجب افزایش حجم نقدینگی و رشد سریع تورم شد. این تناقض سرانجام به برکناری معاون اول نخست وزیر، ایگور گایدار^۱، در اواخر ۱۹۹۲ و انتخاب چرنومردین^۲ انجامید. وی با تنظیم برنامه‌ای برای مقابله با بحران، تا حدودی به آرامش بازار کمک کرد، اما بانک مرکزی با ادامه اعطای وام، زمینه‌های شکست برنامه‌های دولت را در سال ۱۹۹۴ فراهم ساخت. در روز یازدهم اکتبر که به سه‌شنبه سیاه معروف است، ارزش روبل ۲۰ درصد کاهش یافت. در سال ۱۹۹۵، یلتسین سیاست‌های اقتصادی جدیدی درپیش گرفت. وضعیت اقتصادی در دوره دوم ریاست جمهوری وی بیش از پیش به کمک‌های خارجی وابسته شد. کمک‌های مالی صندوق بین‌المللی و بانک جهانی به روسیه با تضمین‌هایی همراه بود که به وابستگی بیشتر روسیه به غرب منجر شد. در کل می‌توان گفت، وضعیت اقتصاد روسیه در این سال‌ها به شدت بی‌ثبات، و تورم در بالاترین سطح بود.

در جولای ۱۹۹۷، بحران مالی در آسیای جنوب شرقی بروز کرد و بی‌درنگ در تمام جهان گسترش یافت. تأثیر این بحران بر قیمت نفت و گاز که عمده‌ترین عامل تأمین‌کننده بودجه در روسیه بود، موجب شد آن کشور سرمایه‌گذاران خارجی را از دست بدهد و وضعیت روسیه بیش‌ازپیش پیچیده شود. یلتسین سعی کرد با تغییر در کابینه و انتصاب افرادی آگاه از مکانیسم‌های اقتصاد بازاری، حقوق عقب‌افتاده کارمندان، کارگران و حق بازنشستگان را بپردازد و رشد اقتصادی کشور را محقق سازد؛ اما نه تنها مشکلات حل نشد، بلکه این دوره تغییر دولت سه میلیارد دلار نیز به روسیه زیان وارد کرد (بی‌نام، ۱۳۸۸، ص ۱۷۶). در اوایل آگوست ۱۹۹۸ بانک‌های روسیه به علت افت شدید ارزش اوراق بهادار در معرض ورشکستگی قرار گرفتند. می‌توان گفت ناکامی‌های اقتصادی ناشی از رکود اقتصادی در سال ۱۹۹۹ از نظر میزان و طول مدت بی‌سابقه بوده است. کاهش قیمت نفت در این دوران تأثیر مهمی در ناتوانی روسیه در کنترل بحران مالی داشت؛ در نتیجه، امکان جذب سرمایه‌های خارجی کاهش یافت. این مسائل به‌همراه بدهی‌های قابل توجه، وضعیت بد اقتصادی روسیه را در این دوران نشان می‌دهد.

1. Yegor Gaidar.
2. Viktor Stepanovich Chernomyrdin.

جدول ۱. وضعیت کلی اقتصاد روسیه در سال ۱۹۹۹

تولید ناخالص داخلی	۶۲۰/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار
تولید ناخالص داخلی - میزان رشد واقعی	۳/۲ درصد
ترکیب تولید ناخالص داخلی	کشاورزی: ۸/۴ درصد صنعت: ۳۸/۵ درصد خدمات: ۵۳/۱ درصد
جمعیت زیر خط فقر	۴۰ درصد (۱۹۹۹)
تورم (قیمت مصرف کننده)	۸۶ درصد
نیروی کار	۶۶ میلیون نفر (۱۹۹۷)
نیروی کار (بر پایه شغل)	کشاورزی ۱۵ درصد صنعت ۳۰ درصد خدمات ۵۵ درصد
بیکاری	۱۲/۴ درصد
رشد تولیدات صنعتی	۸/۱ درصد
صادرات	۷۵۴۰۰۰۰۰۰۰ دلار
واردات	۴۸۲۰۰۰۰۰۰۰ دلار
نرخ ارز (ارزش برابری روبل در ایالات متحد)	۴/۵۵۹ (۱۹۹۵) دلار ۵/۱۲۱ (۱۹۹۶) دلار ۵/۷۸۵ (۱۹۹۷) دلار ۹/۷۰۵۱ (۱۹۹۸) دلار
	۲۶/۷۹۹۶ دلار (دسامبر ۱۹۹۹)، ۲۴/۶۱۹ (۱۹۹۹) دلار

([http:// www. economywatch.com](http://www.economywatch.com))

۲.۱.۳. اقتصاد روسیه در دوره پوتین

قبل از بررسی تحولات اقتصادی روسیه در دوران پوتین، برآنیم نگاه اجمالی به وضعیت اقتصاد این کشور از منظر آمار و ارقام بیندازیم.

جدول ۲. تحولات مثبت اقتصاد روسیه در دوره پوتین

سال	رشد تولید ناخالص داخلی (درصد)(۱۱)	تورم (درصد)(۱۰)	بیکاری (درصد)(۹)	درآمد عمومی دولت (میلیارد روبل)(۸)
	م. ن.	م. ن.	م. ن.	م. ن.
۱۹۹۲	م. ن.	م. ن.	م. ن.	م. ن.
۱۹۹۳	-۸/۷	۹.۸۳۹	۵/۲۸۵	م. ن.
۱۹۹۴	-۱۲/۷	۲۱۵/۱	۷/۲۳۳	م. ن.
۱۹۹۵	-۴/۱	۱۳۱/۳	۸/۵۳۴	م. ن.
۱۹۹۶	-۳/۶۰۸	۲۱/۸	۹/۶۰۱	م. ن.
۱۹۹۷	۱/۳۸۱	۱۱	۱۰/۸۱۹	م. ن.
۱۹۹۸	-۵/۳۴۵	۸۴/۴	۱۱/۸۸۹	۹۰۸/۹۴۱
۱۹۹۹	۶/۳۵۱	۳۶/۵	۳/۰۰۱	۱۵۸۶/۸۳
۲۰۰۰	۱۰/۰۴۶	۲۰/۲	۱۰/۵۹۱	۲۶۴۲/۳۸
۲۰۰۱	۵/۰۹۱	۱۸/۶	۸/۹۳۹	۳۳۰۱/۷۱
۲۰۰۲	۴/۷۴۴	۱۵/۱	۸	۴۰۰۲/۴۴
۲۰۰۳	۷/۲۵۳	۱۲	۸/۶	۴۸۰۴/۴۸
۲۰۰۴	۷/۱۵۱	۱۱/۷	۸/۲	۶۲۴۰/۰۱
۲۰۰۵	۶/۳۸۸	۱۰/۹	۷/۶	۸۸۵۱/۲۷
۲۰۰۶	۸/۱۵۳	۹	۷/۲	۱۰۶۲۵/۸۰
۲۰۰۷	۸/۵۳۵	۱۱/۹	۶/۱	۱۳۲۵۰/۷۰
۲۰۰۸	۵/۲۴۲	۱۳/۳	۶/۴	۱۶۰۰۳/۴۵

(Economy watch.com /economic-statistics, 2010)

موجود نیست = م.ن.

۳.۱.۳. عوامل مؤثر در احیای اقتصاد روسیه

۱.۳.۱.۳. افزایش درآمدهای نفتی

رشد اقتصاد روسیه در دوره پوتین تا حد بسیاری ناشی از خوش‌اقبال‌ی وی به دلیل افزایش شدید قیمت نفت بوده است. از آنجا که صادرات روسیه بر محور عرضه منابع طبیعی و سوخت می‌چرخد، درآمدهای کلان نفتی بخش بزرگی از بدهی‌های خارجی روسیه را پرداخت نمود و تا حدودی اقتصاد بی‌ثبات روسیه را به دوران اقتدارش در گذشته نزدیک کرد و بار دیگر آن کشور را به عنوان یک قدرت بزرگ مطرح ساخت. چندین عامل را می‌توان به عنوان شاخص برای ارزیابی تأثیر نفت در رشد اقتصادی روسیه در نظر گرفت:

جدول ۳. جمعیت زیر خط فقر، صادرات و واردات روسیه (۲۰۰۰-۲۰۰۸)

سال	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
جمعیت زیر خط فقر (٪) (۱۲)	۴۰	۴۰	۴۰	۲۵	۲۵	۲۵	۱۷/۸	۱۷/۸	۱۵/۸
صادرات (میلیارد دلار) (۱۳)	۷۵/۴	۱۰۵/۱	۱۰۴/۶	۱۰۴/۶	۱۳۴/۴	۱۶۲/۵	۲۴۵	۳۱۷/۶	۳۵۵/۵
واردات (میلیارد دلار) (۱۴)	۴۸/۲	۴۴/۲	۶۰/۷	۶۰/۷	۷۴/۸	۹۲/۹۱	۱۲۵	۱۷۱/۵	۲۲۳/۴

(Indexmundi.com, statistics, 2009-2012)

آمار و ارقام، بهبود عملکرد اقتصادی روسیه در این دوره را به خوبی نشان می‌دهد.

- میزان صدور فرآورده‌های نفت

جدول زیر میزان صدور نفت روسیه را طی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۸ نشان می‌دهد؛ همانطور که مشاهده می‌شود میزان صادرات از ۶۲ میلیون تن در سال ۲۰۰۰، به ۱۱۸/۱ میلیون تن در سال ۲۰۰۸ رسید و به‌طور تقریبی دو برابر شد. این درحالی است که درآمد صادرات از ۱۰۹۱۸/۸ دلار در سال ۲۰۰۰ به ۷۹۸۸۵/۶ دلار در سال ۲۰۰۸ رسید که می‌توان گفت هفت برابر شد. بدون شک چنین افزایش درآمدی در هر کشوری بااهمیت و تأثیرگذار است.

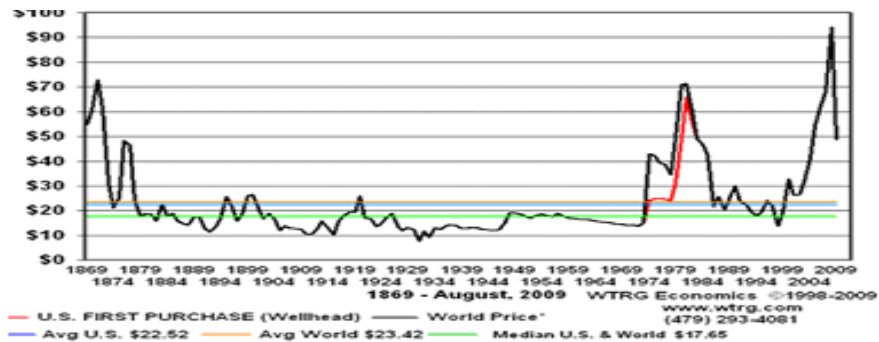
جدول ۴. صادرات فرآورده‌های نفتی ۲۰۰۸-۲۰۰۰ م

سال	صادرات						میانگین قیمت صادرات، دلار/تن		
	مجموع		که:		مجموع		که:		بدون کشورهای مشترک المنافع
	میانای حجم: میلیون تن	میانای ارزشی: دلار آمریکا	میانای حجم: میلیون تن	میانای ارزشی: دلار آمریکا	میانای حجم: میلیون تن	میانای ارزشی: دلار آمریکا	با کشورهای مشترک المنافع		
۲۰۰۰	۶۲/۶	۱۰۹۱۸/۸	۵۹	۱۰۱۵۰/۸	۲/۵	۷۶۸	۱۷۲/۵۳	۱۷۱/۹۲	۲۱۸/۲۷
۲۰۰۱	۶۳/۳	۹۳۷۴/۵	۶۰/۸	۸۸۳۱/۷	۲/۵	۵۴۲/۸	۱۴۱/۹۹	۱۴۵/۱۷	۲۱۶/۳۵
۲۰۰۲	۷۵/۵	۱۱۲۵۳/۲	۷۲/۹	۱۰۸۲۶/۷	۲/۶	۴۲۶/۵	۱۴۹/۱۳	۱۴۸/۲۱	۱۶۳/۷۲
۲۰۰۳	۷۷/۷	۱۴۰۶۰	۷۴/۲	۱۳۴۲۰/۱	۲/۵	۶۳۹/۹	۱۸۱/۰۱	۱۸۰/۸۳	۱۸۴/۸۸
۲۰۰۴	۸۲/۴	۱۹۲۶۹/۱	۷۸/۳	۱۸۸۸۸/۲	۴/۱	۹۸۰/۹	۲۳۳/۸۴	۲۳۲/۶۸	۲۳۳/۹۴
۲۰۰۵	۹۷/۱	۳۳۸۰۶/۵	۹۲/۲	۳۲۳۷۶/۱	۲/۹	۱۴۳۰/۴	۳۴۸/۲۷	۳۴۷/۵۲	۳۶۶/۰۸
۲۰۰۶	۱۰۳/۵	۴۴۶۷۱/۷	۹۷/۷	۴۱۹۹۸/۹	۵/۸	۲۶۷۲/۸	۴۳۱/۶۳	۴۳۰/۰۶	۴۵۷/۹۷
۲۰۰۷	۱۱۲/۳	۵۲۲۲۷/۶	۱۰۵/۵	۴۹۰۵۴/۱	۶/۸	۳۱۷۳/۵	۴۶۵/۱	۴۶۴/۸۷	۴۶۹/۵۲
۲۰۰۸	۱۱۸/۱	۷۹۸۸۵/۶	۱۰۷/۸	۷۲۶۹۷/۲	۱۰/۳	۷۱۸۸/۴	۲۷۶/۵۴	۶۷۴/۶۲	۶۹۶/۶۱

(http://www.cbr.ru/eng/statistics/print.aspx?file=credit_statistics/oil_products_e.htm&pid=svs&sid=vt2)

- قیمت هر بشکه نفت

در شکل (۱) قیمت هر بشکه نفت را در سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۹۵ م نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، قیمت هر بشکه نفت در سال ۱۹۹۵، ۱۸/۸۰ دلار بود و این در حالی است که این میزان در سال ۲۰۰۸ به مبلغ ۹۶/۵۲ دلار رسید که می‌توان گفت ۵ برابر شد.

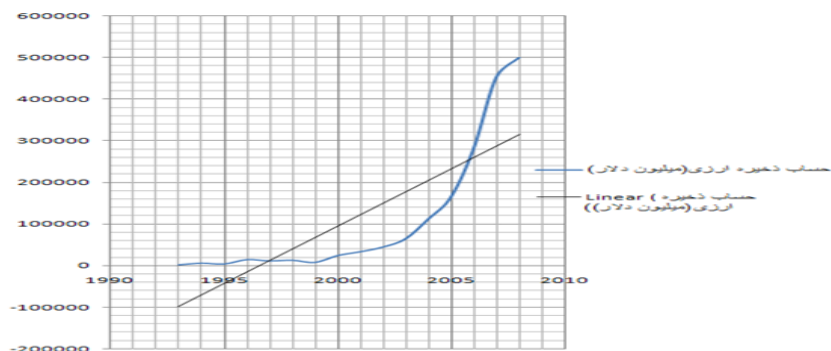


شکل ۱. قیمت هر بشکه نفت ۲۰۰۸-۱۹۹۵م

(<http://www.wtrg.com/prices.htm>)

- ذخایر ارزی کشور

در اینجا آمار ذخایر ارزی روسیه در دوره مورد بحث بر مبنای (میلیون دلار آمریکا) آمده است. می‌توان گفت در این سال‌ها روسیه به یکی از بزرگترین دارندگان ذخایر ارزی تبدیل شد که این نیز صحه‌ای است بارز بر تأثیر درآمدهای نفتی بر رشد اقتصاد در روسیه. روند مطلوب رشد ذخایر به گونه‌ای بود که بعضی از مقام‌ها پیشنهاد حذف قانون فروش اجباری ۵۰ درصد از ارز ناشی از صادرات به بانک مرکزی را مطرح نمودند.



(http://www.cbr.ru/eng/hd_base/mrrf/?C_mes=01&C_year=1993&To_mes=04&To_year=2008&mode=&x=13&y=13)

شکل ۲. حساب ذخیره ارزی روسیه

۲.۳.۱.۳. مدیریت دولت پونین

تأثیر درآمدهای نفتی بر اقتصاد روسیه موضوعی غیرقابل انکار است؛ هرچند به گواه تاریخ و از بررسی دیگر کشورهای دارنده این طلای سیاه، به روشنی مشخص می‌شود که این درآمدها

تنها عامل رشد اقتصادی در روسیه طی این دوران نبوده، بلکه در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶ نیز قیمت نفت افزایش چشمگیری داشته است، اما از آغاز فروپاشی تا نیمه دوم سال ۱۹۹۹، روند نزولی اقتصاد روسیه به شدت محسوس بود؛ افزون بر این، بسیاری از کشورها همانند روسیه از وجود نفت برخوردار بوده‌اند، اما نتوانسته‌اند به چنین رشدی همچون روسیه دست یابند. بنابراین درآمد نفتی را نمی‌توان به عنوان تنها عامل مؤثر در نظر گرفت. نقش دولت حاکم (پوتین) در مدیریت درآمدهای نفتی و برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت اقتصادی و سیاسی در رشد اقتصاد روسیه و به دنبال آن سنگین شدن وزنه مسکو در عرصه نظام بین‌الملل بسیار مشخص است.

پوتین با شناخت درست از ضعف اقتصادی و تأثیر مستقیم آن بر جایگاه و حوزه اقدام روسیه در عرصه جهانی، در خط مشی سیاست خارجی روسیه در بیست و هفت ژوئن سال ۲۰۰۰، مهم‌ترین هدف دولت خود را نوسازی اقتصادی روسیه اعلام کرد (Putin, 2000: 1). وی ضمن تأکید بر هم‌گرایی روسیه با اقتصاد جهانی، تلاش‌های خود را بر سه اصل متمرکز کرد:

حمایت از منافع اقتصادی روسیه در خارج از مرزها؛

مقابله با به‌حاشیه رانده شدن روسیه از اقتصاد جهانی؛

مشارکت و فعالیت در نهادهای اقتصادی بین‌المللی.

مشاوران اقتصادی پوتین از آغاز دو فرآیند را برای توسعه اقتصادی در پیش گرفتند. در فرآیند اول حل مشکلات در حوزه کلان و ایجاد نهادهای سیاسی و اقتصادی کارآمد، تدوین مجموعه قوانین جامع از جمله در بحث مالکیت خصوصی و ایجاد نظام‌های پولی و مالی کارآمد، مد نظر قرار گرفت. در فرآیند دوم با درک این موضوع مهم که فرآیند رشد اقتصادی مستلزم برنامه‌ریزی بلندمدت و اصلاحات ساختاری، متنوع‌سازی تولیدات، کاهش وابستگی به درآمدهای بخش انرژی و تسریع در توسعه فناوری‌های پیشرفته است، بر ایجاد نهادهای سیاسی و اقتصادی منطبق با وضعیت بازار تأکید شد (نوری، پیشین، ص ۹۶). پوتین موفق شد با کنترل الیگارش‌ها، ایجاد همبستگی و پایان دادن به بحران‌های قومی، کاهش رکود اقتصادی و قانونمند کردن فعالیت‌های اقتصادی، وضعیت را برای رشد هرچه بیشتر اقتصاد روسیه فراهم آورد. به گواه آمار و ارقام، اقتصاد روسیه در این دوره تحولات مثبتی چون رشد اقتصادی، بهبود شاخص‌های توسعه اقتصادی، کاهش بدهی‌های خارجی، روند روبه‌رشد سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، کاهش تورم و بیکاری، افزایش حساب ذخایر ارزی و درآمد عمومی دولت را تجربه کرد.

۲.۳. قدرت و نفوذ سیاسی

در دوره ریاست جمهوری پوتین، روسیه تلاش‌های زیادی برای ارتقای منزلت سیاسی خود در عرصه بین‌المللی انجام داد. مشارکت گسترده در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی (به‌ویژه سازمان ملل)، دیپلماسی فعال در عرصه خارجی و تأکید بر نقش و موقعیت روسیه به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت، نمونه‌ای از این تلاش‌هاست. مسکو از دست دادن برخی مناطق سنتی نفوذ روسیه از جمله حوزه بالتیک و قفقاز جنوبی را ضربه‌ای به موقعیت و نفوذ سیاسی مسکو در این حوزه‌ها و در سطح بین‌المللی ارزیابی می‌کرد. نمونه‌هایی از تلاش مسکو در این دوران، تقویت روابط با کشورهای سی.آی.اس و کوشش در حفظ نفوذ سیاسی و اقتصادی در این کشورها به‌ویژه از طریق ایجاد ساختارهای همکاری اقتصادی مانند «جامعه اقتصادی آسیا-اروپا»^۱ و تأثیر بر روندهای سیاسی موجود در حوزه این کشورها، فعالیت در پرونده هسته‌ای ایران و کره شمالی، در پیش گرفتن دیپلماسی فعال در موضوع استقلال کوزوو، و رویکرد جدید روسیه به خاورمیانه بود. میزبانی مسکو در اجلاس سران گروه هشت در ژانویه ۲۰۰۶، مهم‌ترین نشانه ارتقای موقعیت سیاسی این کشور در عرصه بین‌المللی بود. در این اجلاس، روسیه توانست در طرح بسیاری از موضوعات، بیانیه‌ها و اسناد نهایی تأثیر بگذارد. برگزاری این نشست، موفقیت سیاسی مهمی برای روسیه، نمایش موقعیت و توانمندی‌های سیاسی آن در عرصه بین‌الملل و تأکیدی بر این نکته بود که بدون مشارکت روسیه و ملاحظه منافع این کشور، حل مشکلات بین‌المللی ممکن نخواهد بود (همان، ص ۹۸-۹۹). در سند سیاست خارجی روسیه منتشرشده در مارس ۲۰۰۷، بر بازیابی قدرت سیاسی روسیه و تبدیل شدن آن به یکی از پایه‌های اصلی مدیریت جمعی جهانی تأکید شده است.

۳.۳. توانمندی‌های نظامی

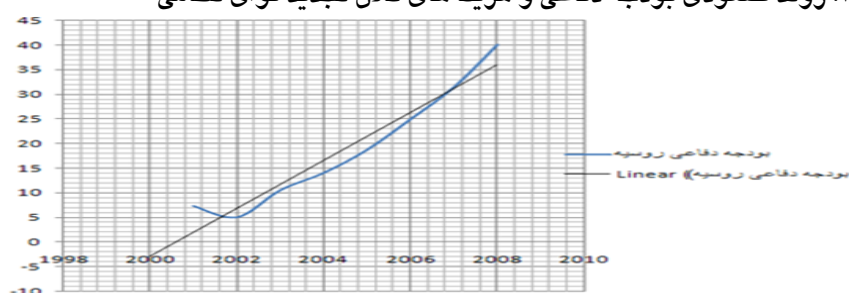
فروپاشی شوروی افزون بر مشکلات اقتصادی، تأثیر بسیاری بر توان نظامی روسیه داشته است. فرسودگی تجهیزات نظامی، تمرین نداشتن نیروها، کاهش سطح تخصص افسران، شیوع مصرف الکل و مواد مخدر میان نظامیان، افت روحی آنان و از همه مهم‌تر مشکلات اقتصادی ارتش، نشانه‌های آشکار ضعف نظامی روسیه در دهه ۱۹۹۰ بود.

با به قدرت رسیدن پوتین، اراده‌ای برای تبدیل روسیه به یک قدرت نظامی شکل گرفت و به همین منظور، نوسازی ارتش و تقویت توانمندی‌های نظامی در دستور کار قرار داده شد. پوتین در سخنرانی خود در شورای فدراسیون روسیه در می ۲۰۰۳ ضمن تأکید بر افزایش قدرت نظامی روسیه، انجام اصلاحات نظامی و نوسازی نیروهای مسلح را به عنوان اولویتی

1. Euro-Asian economic community .

مهم مطرح و بیان کرد، در آینده‌ای نزدیک روسیه به کشوری قدرتمند با تجهیزات نظامی پیشرفته تبدیل خواهد شد (www.mid.ru). هدفمند کردن تخصیص نیرو و بودجه ارتش، نوسازی تجهیزات نظامی و تمرکز سیاست‌گذاری‌های نظامی در وزارت دفاع، سه محور اصلی اصلاحات نظامی پوتین را تشکیل داد. به‌طور کلی افزایش قدرت دفاعی روسیه در دوره پوتین را می‌توان در چهار موضوع زیر مشاهده کرد:

۱.۳.۳. روند صعودی بودجه دفاعی و هزینه‌های کلان تجدید قوای نظامی



شکل ۳. بودجه دفاعی روسیه (میلیارد دلار)

جدول ۵. هزینه‌های نظامی روسیه

سال	میلیارد روبل	میلیون دلار
۱۹۹۷	۱۰۵/۰۳	۲۸۸۳۴
۱۹۹۸	۸۲/۴۹	۱۸۴۰۰
۱۹۹۹	۸۵/۶	۱۹۰۶۱
۲۰۰۰	۲۷۱	۲۵۹۷۷
۲۰۰۱	۳۶۵	۲۸۸۳۳
۲۰۰۲	۴۶۰	۳۲۰۳۵
۲۰۰۳	۵۶۸	۳۴۰۸۰
۲۰۰۴	۶۵۶	۳۵۴۵۴
۲۰۰۵	۸۰۶	۳۸۶۶۹
۲۰۰۶	۹۶۷	۴۲۳۱۷
۲۰۰۷	۱/۱۴۴	۴۵۹۰۸
۲۰۰۸	۱/۴۴۸	۵۰۹۳۷

۲.۳.۳. افزایش توانمندی‌های هسته‌ای و گسترش سلاح‌های راهبردی

دولت روسیه در این دوره بر تقویت توانمندی‌های هسته‌ای تأکید فراوان داشت. به‌طوری‌که پوتین در سخنرانی خود در اکتبر ۲۰۰۳ از نیروهای بازدارنده هسته‌ای به عنوان بنیان اصلی

امنیت ملی روسیه برای حال و آینده یاد کرد. توسعه موشک‌های قاره‌پیمای جدید از جمله موشک‌های «تاپل ام»^۱، «بولوا»^۲ و «سینوا»^۳ (با برد بیش از ۸۰۰۰ کیلومتر و توان حمل هشت کلاهک هسته‌ای) و موشک‌های «سی سی ۴۰۰»^۴ در همین راستا انجام گرفت. به پستوانه همین توانمندی‌ها بود که پوتین اعلام کرد، روسیه مجهز به تاپل ام، هیچ هراسی از سیستم دفاع موشکی امریکا ندارد. سامانه جدید ناوبری هوایی، زیردریایی و اعلام هشدار راداری، نسل پنجم هواپیماهای جنگی، بمب‌افکن‌های فوق صوت راهبردی «تی یو ۱۶۰»^۵ و ناوهای جنگی جدید نیز نمونه‌های دیگری از تلاش روسیه برای افزایش توان نظامی خود بود.

۳.۳.۳. افزایش همکاری‌ها و فروش تسلیحات نظامی

از زمان به قدرت رسیدن پوتین، صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی روسیه و به‌دنبال آن سهم این کشور در بازار جهانی تسلیحات روندی صعودی داشت. فروش تسلیحات برای مسکو افزون بر منفعت اقتصادی دارای کارویژه سیاسی نیز بود و زمینه افزایش نفوذ سیاسی این کشور را فراهم می‌آورد.

روسیه در سال ۲۰۰۶ با بیش از هفتاد کشور در امریکای لاتین، خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی تجارت تسلیحات داشت. بنابر گفته آناتولی ایسایکین^۶، صادرات تسلیحات روسیه از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ رشدی ۱۴۰ درصدی داشت و بیشتر مشتریان آن، کشورهای هند، الجزایر، چین، ونزوئلا، مالزی و سوریه بودند (<http://en.rian.ru/Russia/20100128/157701972.html>). نکته قابل توجه آن است که فروش تسلیحات روسیه در دوره پوتین افزون بر تحول کمی یک تحول کیفی نیز داشت. در این دوره فروش تسلیحات پیشرفته به جای تسلیحات کوچک در دستور کار قرار گرفت و این موضوع نگرانی‌هایی را برای امریکا ایجاد کرد.

۴.۳.۳. افزایش پایگاه‌های نظامی روسیه، به‌ویژه در حوزه کشورهای مشترک‌المنافع

هرچند در اواخر دهه ۱۹۹۰ تعداد نیروهای نظامی روسیه در خارج از کشور کاهش چشمگیری داشت، اما با روی کار آمدن پوتین حفظ و تقویت پایگاه‌ها و حضور نظامی روسیه به‌ویژه در خارج نزدیک اهمیت بسیاری یافت. تلاش مسکو برای گسترش پایگاه‌ها و نیروهای نظامی خود در قرقیزستان (اکتبر ۲۰۰۳) و تاجیکستان (اکتبر ۲۰۰۴) و حفظ پایگاه‌های نظامی

1. TOPOL-M.
2. Bulava.
3. Sineva.
4. C C 400.
5. T U 160.
6. Anatoly Isaikin.

خود در مولداوی و گرجستان در این دوره، به همین منظور صورت گرفت.

جدول ۶. پایگاه‌های نظامی روسیه (Klein, 2009: 20)

کشور میزبان	نوع پایگاه نظامی	ظرفیت نیرو (تعداد نفرات)
ارمنستان	پایگاه هوایی در ایروان، پایگاه نظامی گومری	۳۲۱۴
آذربایجان	ایستگاه رادار گابال یا قبله	۹۰۰
بلاروس	ایستگاه رادار در بارانویچی و مرکز ارتباطات نیروی دریایی در ویلی کا	۸۵۰
گرجستان	پایگاه‌های نظامی در اوستیای جنوبی (ژاوا، تسخینوالی) و ابخازیا (گودارا و گالی)	ارقام دقیقاً در دسترس نیست، ۳۰۰۰ تا ۷۶۰۰ نفر به طور رسمی اجازه داده شده است.
قزاقستان	ایستگاه رادار در بالکاش	در دسترس نیست
قرقیزستان	پایگاه هوایی در کانت، مذاکرات برای ایجاد پایگاه دیگری در جنوب کشور در حال است.	(قابلیت) ۷۰۰
مولداوی	پاسداران حافظ صلح و نیروهای حافظ انبارهای مهمات در ترانس نیستریا	۱۵۰۰
تاجیکستان	پایگاه‌های نظامی در دوشنبه، قران تپه، کولاپ و استفاده مشترک از پایگاه نیروی هوایی در عینی	۵۵۰۰
اوکراین	پایگاه ناوگان دریای سیاه روسیه در سواستاپل	۱۳۰۰۰
سوریه	تجهیزات لجستیکی نیروی دریایی	۱۵۰

اشاره شد که در دوره ریاست جمهوری پوتین، روسیه موفقیت‌های محسوسی در حوزه اقتصاد، دستاوردهای قابل‌ملاحظه‌ای در عرصه دیپلماتیک و سیاسی و پیشرفت‌های نسبی در بخش نظامی به دست آورد. با تکیه بر این توانمندی‌ها، مسکو خود را قدرتی نوظهور می‌داند که ظرفیت‌هایش در حال ارتقا بود و فرصت‌های جدیدی برای تغییر جایگاهش در نظام بین‌الملل پیش رو داشت. در این دوران، کرملین تلاش‌های زیادی برای ارتقای جایگاه خود در ساختار نظام بین‌الملل به عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای انجام داد که نمود آن را می‌توان در سخنان پوتین در رد نظام تک‌قطبی در کنفرانس امنیتی مونیخ دید:

«فکر می‌کنم ما در زمان حساسی به سر می‌بریم و باید به‌طور جدی‌ای در خصوص ساختار امنیت جهان فکر کنیم، ما باید به دنبال توازن منطقی میان منافع همه کنشگران حاضر در عرصه بین‌الملل باشیم. نظام تک‌قطبی که پس از پایان جنگ سرد به عنوان نظام مسلط معرفی شده، هیچ‌گاه به‌طور موفقیت‌آمیز تثبیت نشده است. جهان از مرحله تک‌قطبی عبور کرده و هرچند نظم مشخصی جایگزین آن نشده، اما آنچه مسلم است نظام امنیت بین‌الملل به سمت چندجانبه‌گرایی پیش رفته است» (<http://natomission.ru/en/print/46/14/>).

در این کنفرانس پوتین آشکارا از یک‌جانبه‌گرایی امریکا خرده گرفت و گفت «نباید سازمان ملل را با ناتو یا اتحادیه اروپا تعویض کرد» (Ibid: p4).

این حرکت تدریجی روسیه برای بازتوزیع قدرت و ارتقای جایگاه خود که بر دو پایه اصلی مخالفت صریح با تکروری امریکا و تقویت این فرض که مدیریت امور جهانی بدون همراهی روسیه امکان‌پذیر نیست استوار شده بود، باعث نگرانی جدی دولت امریکا شد که نمونه آن را می‌توان در سخنان رابرت گیتس در کنفرانس امنیتی مونیخ دید: «ما هم از برخی سیاست‌های روسیه تعجب می‌کنیم که به نظر می‌رسد با ارسال سلاح و استفاده از منابع انرژی برای تهدید سیاسی، علیه ثبات بین‌المللی اقدام می‌کند...» (Shanker, 2007: 2).

سیاست‌های خاورمیانه‌ای روسیه، بحث امنیت انرژی و طرح سپر دفاع موشکی امریکا در اروپای شرقی مهم‌ترین موضوعاتی بود که تنش‌های شدیدی را در روابط امریکا و روسیه در این دوره ایجاد کرد و ارتباط مستقیمی با ارتقای جایگاه روسیه در عرصه بین‌الملل داشت.

۴. بهره‌سوم، ارتقای جایگاه روسیه و افزایش تنش با امریکا

۱.۴. خاورمیانه، گسترش نفوذ روسیه، افزایش تنش با امریکا

سیاست‌های خاورمیانه‌ای روسیه در این دوره حول دو محور اساسی می‌چرخید: نخست، همکاری با کشورهای مخالف امریکا در منطقه که امریکا از راه‌های مختلف به دنبال انزوای آن‌ها بود که نمود آن را می‌توان در اقدامات زیر دید: توسعه روابط نظامی با کشورهای منطقه و فروش تسلیحات نظامی به آن‌ها (به‌خصوص با کشورهایایی که برای امریکا چالش‌آفرین هستند؛ مانند ایران، سوریه و فلسطین)؛ حمایت سیاسی و مالی از حماس (میزبانی از خالد مشعل در مسکو، کمک ده میلیون دلاری به حماس)؛

تأکید بر اهمیت روابط با ایران، سوریه و حماس؛

مخالفت با درخواست امریکا در شناسایی حماس و حزب‌الله به عنوان سازمان‌های

تروریستی؛

استقبال از پیشنهاد ایران برای ایجاد اوپک گازی در جریان سفر پوتین به قطر، و بخشش بدهی برخی از کشورهای منطقه، از جمله سوریه.

دوم، معرفی روسیه به عنوان نیروی متوازن‌کننده غرب در منطقه، به‌ویژه در نظر آن دسته از کشورهای منطقه که مناسبات خوب و نزدیکی با آمریکا دارند. که نمونه آن را می‌توان در پیشنهاد فروش راکتورهای اتمی به عربستان و مصر (در جریان سفر پوتین به ریاض و دیدار همتای مصریش از مسکو) دید.

درواقع، اقدام‌های روسیه در خاورمیانه به‌خوبی سیاست‌های افزایش نفوذ این کشور را در قبال این منطقه نشان می‌داد. روسیه با گسترش نفوذ خود در خاورمیانه به دنبال آن بود تا از این عامل به عنوان اهرمی برای ارتقای جایگاه خود در مدیریت امور منطقه‌ای و جهانی استفاده کند و به شریک‌های غربی تقویت عینی موقعیت خود را گوشزد کند. البته مشکلات آمریکا در این منطقه طی این سال‌ها و بهبود قابل‌ملاحظه توان اقتصادی روسیه دو عامل مهمی بود که در عملیاتی کردن این اهداف به مسکو که دیگر یکه‌تازی آمریکا در این منطقه را برنمی‌تابید و نمی‌خواست دارای حضوری تشریفاتی در خاورمیانه باشد، کمک زیادی کرد. افزایش نفوذ روسیه در خاورمیانه در این دوران از دو جهت برای آمریکا ناخوشایند و نگران‌کننده بود:

- یکی اینکه افزایش نفوذ به معنای افول هرچه بیشتر جایگاه آمریکا در منطقه بود.
- دیگر اینکه تلاش روسیه برای تثبیت موقعیت خود به عنوان یک کنشگر منطقه‌ای و نشان دادن این موضوع به اعراب که روسیه می‌تواند نقش نیروی متوازن‌کننده در برابر آمریکا را ایفا کند، در تضاد آشکار با منافع آمریکا بود (نوری، پیشین، ص ۱۱۰-۱۱۳). بنابراین افزایش تنش در روابط آمریکا و روسیه در این دوره اجتناب‌ناپذیر بود

۲.۴. روسیه و استفاده از انرژی به عنوان یک ابزار سیاسی

از لحاظ جایگاه منابع طبیعی، روسیه دارای مقام هشتم در ذخایر نفت است و بزرگترین صادرکننده نفت بعد از عربستان به‌شمار می‌آید. همچنین این کشور بزرگترین دارنده ذخایر گاز جهان و بزرگترین صادرکننده آن به‌شمار می‌رود. از نظر زغال‌سنگ نیز دارای دومین ذخیره جهانی است ([www.eia.doe.gov\(file:///V:/PRJ/NewCABS/V6/Russia/Full.html\)](http://www.eia.doe.gov/file:///V:/PRJ/NewCABS/V6/Russia/Full.html)).

به پشتوانه این منابع عظیم انرژی و قیمت بالای این منابع در بازارهای جهانی، در دوران ریاست جمهوری پوتین سیاست انرژی اهمیت ویژه‌ای برای روسیه پیدا کرد و روسیه عزم خود را برای تبدیل شدن به ابرقدرت انرژی جزم کرد. اولین تغییر در سیاست انرژی مسکو در این دوران با انتشار «راهبرد انرژی روسیه برای سال ۲۰۲۰» آغاز شد. در این سند بر استفاده

روسیه از انرژی به عنوان ابزاری در راستای اهداف سیاست خارجی تأکید شد. تاکتیک‌های روسیه در عملی کردن این راهبرد، دنبال کردن توافق‌نامه‌های دوجانبه، انحصاری کردن عرضه، راهبرد خط لوله، و هم‌گرایی در سطح داخلی و خارجی بود.

روسیه در دوره پوتین ضمن پی بردن به اهمیت نقش انرژی در معادلات اقتصادی و سیاسی جهان، تلاش کرد معادله نامتوازن «روسیه یک گول نظامی، یک کوتوله اقتصادی» را به کمک این اهرم متوازن، و کشورش را به عنوان یک قدرت سیاسی و اقتصادی مهم در عرصه جهانی مطرح کند. مسکو با افزایش نقش خود در ژئوپلیتیک انرژی و ثبات بازار انرژی، توانست در مذاکرات خود با آمریکا، کشورهای اروپایی، آسیایی و به‌ویژه کشورهای آسی ای اس پیرامون انرژی، همواره موضع برتر خود را حفظ کرده، از این طریق مطلوبیت چندگانه سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی را به نفع خود رقم بزند. در واقع منابع انرژی، سلاح سیاسی نیرومند روسیه در کشمکش قدرت با طرف‌های خارجی، تعامل با غرب و سازوکاری برای چانه‌زنی از موضع برتر بود (نوری، پیشین، ص ۱۱۴-۱۱۲). به‌طور کلی روسیه به‌ویژه در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین تلاش کرد تا با استفاده از اهرم انرژی ضمن بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی، موقعیت این کشور را به عنوان یک قدرت بزرگ در سیاست‌گذاری بین‌المللی تقویت کند (Dmitriev, 2006:1-3).

از سوی دیگر، آمریکا که هرگونه دستاورد روسیه در معادلات انرژی را برد ژئوپلیتیکی و افزایش نفوذ سیاسی آن کشور در حوزه‌های منطقه‌ای و جهانی، و هم‌زمان تضعیف موقعیت به‌نسبت برتر خود در این عرصه ارزیابی می‌کرد، به شیوه‌های مختلف برای از بین بردن انحصار روسیه در زمینه انرژی در آسیای مرکزی، قفقاز و اروپا تلاش کرد. با این‌همه، بدیهی است که تنش در روابط دو کشور در این دوره افزایش یافت.

۳.۴. سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی

سپر دفاع موشکی نامی است که بر ادامه برنامه دولت آمریکا موسوم به «طرح دفاع راهبردی» گذاشته شده است؛ سابقه این طرح به دهه ۱۹۵۰ بازمی‌گردد. کار سپر دفاع ضد موشکی ردیابی موشک‌های پرتاب‌شده با استفاده از یک سامانه کامل راداری است. این سامانه دفاعی پس از ردیابی و شناسایی موشک‌های پرتاب‌شده، آن‌ها را پیش از اصابت به هدف نابود می‌کند (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵).

گفتگوهای غیررسمی آمریکا با لهستان و جمهوری چک در خصوص امکان‌پذیری استقرار سامانه‌های دفاع موشکی در این دو کشور در سال ۲۰۰۲ آغاز شد. این مذاکرات که در سال ۲۰۰۶ بر مبنای یک طرح مشخص برای استقرار رادار در جمهوری چک و سامانه موشک‌های

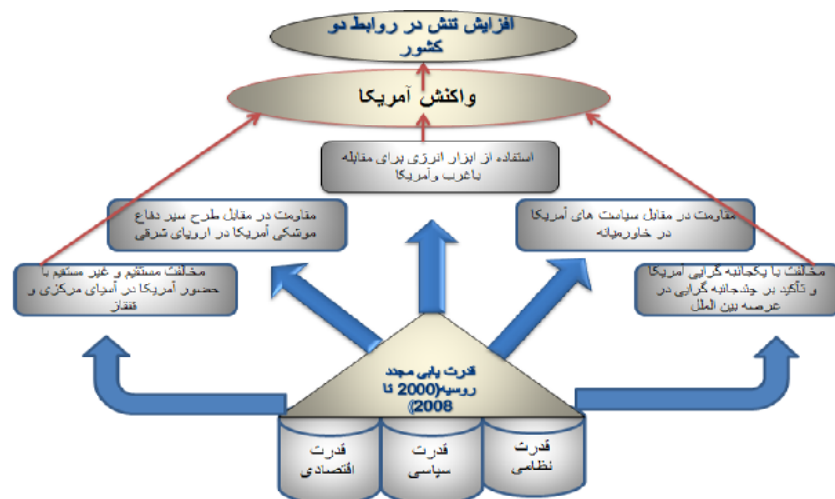
رهگیر در لهستان صورت گرفته بود، سرانجام در مذاکرات رسمی امریکا و این دو کشور در ژانویه ۲۰۰۷ به نتیجه رسید (Hildreth and Ek, 2009:1). اعلام آغاز مذاکرات رسمی امریکا و دو کشور لهستان و جمهوری چک نگرانی و واکنش روسیه را نسبت به تغییراتی که استقرار این سامانه‌ها می‌توانست در توازن راهبردی میان دو کشور ایجاد کند، برانگیخت. این مسئله در واقع آغاز تنش‌های جدید در روابط امریکا و روسیه بود و بار دیگر موجب بازگشت لحن بیابیه‌های دوره جنگ سرد در فضای روابط روسیه و امریکا شد که نمونه‌های آن را می‌توان در انتقادات تند و بی‌سابقه پوتین به رفتارهای امریکا در چهل‌وسومین کنفرانس امنیتی مونیخ دید (فوریه ۲۰۰۷) که موجب واکنش رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا شد: «... من از سخنان پوتین رایحه جنگ سرد جدیدی را استشمام کردم...» (Shanker, Op.cit: 1). نمونه‌های دیگر این واکنش‌ها عبارت‌اند از: سخنان پوتین در اکتبر ۲۰۰۷ مبنی بر اینکه طرح سپر دفاعی امریکا می‌تواند موجب ایجاد وضعیتی مشابه بحران موشکی کوبا در دهه ۱۹۶۰ شود؛ سخنان وزیر دفاع روسیه، سردیاکف، در دیدار با همتای امریکایی خود در خصوص اثر سوء سیستم دفاع موشکی امریکا بر امنیت منطقه و جهان در آوریل ۲۰۰۷؛ هشدار یوری بالویوسکی، رئیس ستاد مشترک ارتش روسیه، به حمله موشکی روسیه در صورت هرگونه شلیک از سپر دفاع موشکی امریکا در اروپا در دسامبر ۲۰۰۷ (Kislyakov, 2007: 1).

مقاومت روسیه در برابر سپر دفاع موشکی امریکا در سطح کلان ناشی از مخالفت این کشور با استمرار روندهای یک‌جانبه در نظام بین‌الملل تک‌محور به رهبری امریکا، و معرفی خود به عنوان یک نیروی مستقل موازنه‌دهنده در برابر آن بود. قدرت‌یابی دوباره روسیه نیز پشتوانه محکمی برای این مقاومت فراهم می‌کرد. در سطح خرد نیز علت اصلی مقاومت روسیه، مخالفت این کشور با توسعه و تثبیت هرچه بیشتر نفوذ امریکا در حیط خلوت خود در اروپای شرقی بود. نتیجه این مقاومت، چیزی جز افزایش بیش از پیش تنش در روابط دو کشور نبود؛ تنشی که در پی بحران گرجستان به اوج خود رسید.

۵. نتیجه

بهره اول این مقاله، افزایش تنش در روابط امریکا و روسیه در فاصله زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸م را بررسی کرده، نشان داده است که حمله امریکا به عراق، گسترش ناتو به شرق، تحرکات امریکا در حمایت از جنبش‌های موسوم به انقلاب‌های رنگین در حوزه کشورهای سی‌آی‌اس و طرح سپر دفاع موشکی امریکا در اروپای شرقی، بذر تنش در روابط دو کشور را که در جریان خروج یک‌جانبه امریکا از پیمان ام‌بی‌ای کاشته شده بود، آبیاری کرد و نیز بحران اوستیا مرحله نهایی تنش در روابط دو کشور در هشت سال اول هزاره جدید بود. در بهره دوم،

قدرت‌یابی دوباره روسیه و ارتقای جایگاه بین‌المللی این کشور در این دوران در سه عنوان کلی قدرت‌یابی اقتصادی، سیاسی و نظامی به گواه آمار و ارقام در قالب جدول‌ها و نمودارهای متعدد بررسی و نشان داده شد و سرانجام به نقش این قدرت‌یابی و ارتقای جایگاه بین‌المللی روسیه در ایجاد اصطکاک منافع و تنش با آمریکا در عرصه بین‌الملل در قالب سه عنوان کلی سیاست‌های خاورمیانه‌ای روسیه، امنیت انرژی، و سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی پرداخته شد. در نتیجه، قدرت‌یابی دوباره روسیه در هزاره جدید و به دنبال آن ارتقای جایگاه بین‌المللی این کشور در نظام بین‌المللی، واکنش آمریکا را که در این دوران به دنبال تکروی و مهار روسیه و ورود به محدوده سنتی قدرت این کشور بود، برانگیخت و باعث افزایش تنش در روابط دو کشور شد. این تحولات در شکل زیر نشان داده شده است.



شکل ۴. قدرت‌یابی دوباره روسیه و افزایش تنش با آمریکا

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. بی‌نام (۱۳۸۸)، فدراسیون روسیه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲. تد، امانوئل (۱۳۸۳)، آمریکا پس از جهانگشایی، ترجمه احمد عظیم بلوریان، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۳. کولایی، الهه و علیرضا نوری (۱۳۸۹)، «عملگرایی پوتین و تغییر در رویکردهای سیاست خارجی روسیه»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۲.
۴. نوری، علیرضا (۱۳۸۶)، ارتقا جایگاه روسیه در عرصه جهانی و تنش با آمریکا در دوره پوتین، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۱.
۵. میرفخرایی، سیدحسن (۱۳۸۳)، بحران استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی: اهداف و پیامدها، دوفصلنامه سیاست، مجله پژوهش حقوق، سال ششم، شماره دوازدهم.

(ب) خارجی

1. Aslund, Anders and Andrew Kuchins march (2009), "Pressing the "Reset Button" on US-Russia Relations", Peterson Institute for International Economics, No P B 0 9-6. Available at: http://csis.org/files/media/isis/pubs/090405_policy_briefing_russia_balance.pdf
2. Dmitriev, Mikhail (2006), "Russian's Energy Key Strategy", Russian in Global Affairs, No.4. Available at: http://eng.globalaffairs.ru/number/n_7339
3. "Economic Statistics and Indicators"(2010), Available at: <http://www.economywatch.com/economic-statistics/year/>
4. "General government revenue"(2010), Available at: http://www.economywatch.com/economic-statistics/economic-indicators/General_Government_Revenue_National_Currency/2010/
5. Hildreth, Steven and Carl Ek (2009), "Long -range Ballistic Missile Defense in Europe", CRS Report for Congress, No RL34051, Available at: <http://fas.org/sgp/crs/weapons/RL34051.pdf>
6. "Inflation (End of Year Change %)" (2010), Available at: http://www.economywatch.com/economic-statistics/economic-indicators/Inflation_End_of_Year_Change_Percentage/2010/
7. "International Reserves of the Russian Federation from January 1993 to April 2008" (2008), Available at: http://www.cbr.ru/eng/hd_base/mrff/?C_mes=01&C_year=1993&To_mes=04&To_year=2008&mode=&x=13&y=13
8. Kislyakov, Andrei (2007), "Should Russia and the U.S. Cooperate on Missile Defense?", Available at: <http://en.rian.ru/analysis/20070426/64460931.html>
9. Klein, Margarete (2009), "Russia's Military Capabilities, Great power Ambitions and Reality", Available at: http://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/research_papers/2009_RP12_le_ks.pdf
10. Mancevic, Denis (2006), "Russian Foreign Economic Policy to ex-Soviet States - cases of Georgia and Ukraine", Available at: www.idec.gr/ier/new/3rd
11. "Military expenditure of Russia" (2012), Available at: <http://milexdata.sipri.org/result.php4>
12. "Oil Price History and Analysis" (2011), WTRG Economics, Available at: <http://www.wtrg.com/prices.htm>
13. "Population below poverty line" (2011), Available at: <http://www.indexmundi.com/g/g.aspx?c=rs&v=69>
14. Putin, Vladimir Vladimirovich (2000), "The Foreign Policy Concept of The Russian Federation", Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation, Available at: <http://www.fas.org/nuke/guide/Russia/doctrine/econcept.htm>
15. "Russia (The Russian Federation) Economic Statistics and Indicators" (2011), Economy Watch, Available at: <http://www.economywatch.com/economic-statistics/country/russia/year-1999>
16. "Russia Energy Data, Statistics and Analysis - Oil,Gas,Electricity,Coal" (2010), Energy Information Administration (EIA), Available at: [www.eia.doe.gov \(file:///V:/PRJ/New_CABs/V6/Russia/Full.html\)](http://www.eia.doe.gov/file:///V:/PRJ/New_CABs/V6/Russia/Full.html)
17. "Russia Exports" (2012), Available at: <http://www.indexmundi.com/g/g.aspx?c=rs&v=85>
18. "Russian Federation: Oil Products Exports 2000-10" (2010), The Central Bank of the Russian Federation, Available at: http://www.cbr.ru/eng/statistics/print.aspx?file=credit_statistics/oil_products_e.htm&pid=svs&sid=vt2
19. "Russia Imports" (2009), Available at: <http://www.indexmundi.com/g/g.aspx?v=89&c=rs&l=en>
20. "Russian military exports hit \$7.4 bln in 2009" (2010), Available at: <http://en.rian.ru/Russia/20100128/157701972.html>
21. "Russian President Vladimir Putin's State of the Nation Address to the Federal Assembly" (2003), Available at: www.mid.ru
22. Shanker, Thom (2007), "Gates Counters Putin's Words on U.S. Power", Available at: <http://www.nytimes.com/2007/02/11/us/11cnd-gates.html?ei=5090&en=6e3674634387f0d0&ex=1328850000&pagewanted=print>

-
23. "Unemployment Rate (% of Labour Force)" (2010), Available at: http://www.Economywatch.com/economic-statistics/economic-indicators/Unemployment_Rate_Percentage_of_Labour_Force/2010/ .
 24. "Vladimir Putin's Speech and the Following Discussion at the Munich Conference on Security Policy" (2007), Available at: <http://natomission.ru/en/print/46/14/>
-